

کارکردهای تربیتی مودت اهل بیت علیهم السلام

فاطمه هاشمی*
محمد نجفی**
حسنعلی بختیار نصرآبادی***

چکیده

پژوهش حاضر که با هدف بازشناسی و تبیین کارکردهای تربیتی مودت اهل بیت علیهم السلام به رشته تحریر در آمده، از نوع تحقیقات کیفی است و با روش تحلیل محتوا و با استفاده از اسناد نوشتاری به بررسی موضوع پرداخته است. این پژوهش نشان داد که قرآن کریم در آیات متعددی موضوع محبت را مورد توجه قرار داده است و به لحاظ نقش زیر بنایی محبت در تعالی یا انحطاط انسان، برخی از محبت‌ها را به صراحت نهی فرموده و بر برخی محبت‌ها تأکید کرده است. از جمله محبت‌های ایجابی قرآن، مودت قریبای نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که می‌تواند بستر ساز تعالی انسان برای عبودیت حق تعالی و نیل به کمال نهایی باشد. همچنین بخشی از کارکردهای تربیتی مودت اهل بیت علیهم السلام در حوزه فردی و اجتماعی عبارتند از: توسعه خودآگاهی، ژرفابخشی به فهم معارف قرآنی، تزکیه و تطهیر نفس به دو صورت تطهیر فعالانه و تطهیر تصرفی، تألیف حبی و ایمن‌سازی محب از مخاطرات روانی، اخلاقی و معنوی. **واژگان کلیدی:** محبت، مودت، اهل بیت علیهم السلام، کارکرد تربیتی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری فاطمه هاشمی از دانشگاه اصفهان است.

* دانشجوی دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) f.hashemi@edu.ui.ac.ir

** دکترای تخصصی، عضو هیئت علمی و استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان mdnajafi@edu.ui.ac.ir

*** دکترای تخصصی، استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان h.nasrabadi@edu.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

مقدمه

هرچند محبت از صفات حیات است و این محبت بود که به اراده محبوب ازلی، خلقت عالم و آدم را نقش زد، اما از آن جهت که از اوصاف ذاتی وجود است، تشکیک‌پذیر و دارای مراتب شدت و ضعف است و هر موجودی متناسب با درجه وجودی خود از آن بهره‌ای دارد. انسان به دلیل رتبه وجودی بالایی که دارد، می‌تواند حظ بیشتری از محبت داشته باشد؛ از این رو نقش آفرینی محبت در مورد انسان به طور خاص مطرح است. محبت با فرهنگ‌های مختلف انسانی اعم از توحیدی و غیرتوحیدی در طول تاریخ، در سراسر عالم عجین شده است؛ اما در مکتب اسلام به ویژه تشیع جایگاه بسیار بالایی دارد و اساساً بی‌نور محبت و ولایت طی طریق کمال ناممکن می‌نماید.

قرآن کتاب تکمیل و تربیت انسان است؛ بنابراین، تمام آیات قرآن به طور مستقیم یا غیرمستقیم، پیام‌های تربیتی برای اکمال انسان دارند. چون قرآن جامعیت دارد، هیچ بعدی از ابعاد وجودی انسان را نادیده نگرفته است و اساساً هدف قرآن پرورش انسانی است که تمام ابعاد وجودی او به طور هماهنگ و متعادل رشد و تکامل بیابند. البته توجه به هر بعد، متناسب با میزان تأثیر آن بعد در سعادت و تکامل انسان است. از آنجاکه حبّ و بغض افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در نحوه زندگی و تعاملات فردی و اجتماعی، در ابعاد و سطوح مختلف زندگی و سعادت یا شقاوت نهایی او دارد، قرآن نگاه خاصی به موضوع محبت و عشق دارد و نقش و تأثیر بنیادینی برای آن در حیات فردی و ایجاد اجتماعی پویا و بسامان قائل است و در آیات متعددی به طور مستقیم یا غیرمستقیم با استخدام واژگان و مضامین متناسب با موقعیت، موضوع مودت و محبت را محور تربیت قرار داده است.

قرآن با طرح مودت و محبت به دو صورت سلبی و ایجابی بر مراقبت و تربیت درست این سرمایه خدادادی تأکید می‌کند. از جمله اموری که در حیطه محبت ایجابی در قرآن مورد تأکید واقع شده است مودت نزدیکان نبی مکرم اسلام است *ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ* می‌باشد (شوری، ۲۳). طرح مودت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن هم‌شان رسالت نبی مکرم اسلام، یک امر احساسی و عاطفی صرف نیست؛ بلکه به جهت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تربیتی‌اش، یک برنامه تربیتی در جهت نیل انسان به کمال قرآنی است. «منظور از واجب کردن مودت اهل بیت، و آن را به عنوان اجر رسالت قرار دادن تنها این بوده که این محبت را وسیله‌ای قرار دهد برای اینکه مردم را به ایشان ارجاع دهد، و اهل بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده، چیزی ورای خود رسالت و دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست»

(طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۸، ص ۶۰). منظور از مرجعیت علمی، رجوع برای فهم درست معارف دینی و کشف حقایق از قرآن است که تنها مطهرون امکان دستیابی به آن را دارند (واقعه، ۷۹) و از آنجا که اهل بیت علیهم السلام مصداق کامل «مطهرون» هستند (احزاب، ۳۳)، «برای کشف آن حقایق باید با انگیزه رشد علمی و تعالی قلبی با آن خانواده مرتبط شد» (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین آفریده شده است (بقر، ۳۰) اما چون خلافت الهی امری تشکیکی و ذومراتب است انسان برای به فعلیت رساندن استعداد خلافت الهی و نیل به مراتب بالای آن، به ارتباط با «اهل بیت علیهم السلام» که خلفای اتم و اکمل الهی هستند» (انصاریان، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶) نیازمند است. از آنجا که تحول عاطفی، قبل از تحول شناختی رخ می‌دهد (نگری، ۱۴۰۰) و محبت و مودت ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ قرآن مؤمنانی را که دارای مراتبی از عمل صالح هستند یعنی توانسته‌اند تا حدودی نفس خود را متعادل کنند امر به مودت اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید؛ زیرا اکنون در وجود آنان زمینه‌های ارتباط با معصوم فراهم شده است؛ یعنی، برای ورود به وادی مودت اهل بیت، مقدماتی ضرورت دارد تا روح انسان نوعی مشابهت و سنخیت با معصوم پیدا کند تا بتواند آنها را بپذیرد و الگو و اسوه خود قرار دهد.

عمل به شریعت الهی، افق دید انسان را وسعت می‌بخشد؛ وسعتی که انسان کمال طلب را به سوی محبت انسان کامل هدایت می‌کند و از آنجا که «مصداق بزرگ انسان کامل، رسول اکرم، ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۶۸)، با مطرح شدن محبت اهل بیت، مرتب در مسیر محبت کمال مطلق قرار می‌گیرد؛ زیرا محبت به آنان، محبت به حضرت حق تعالی است. محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام در دین اسلام از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «... لکل شیء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البیت» (کلینی، ۱۳۶۵، ۴۶/۲).

همچنین نبی مکرم اسلام، استکمال دین را منوط به مودت و محبت اهل بیت دانسته‌اند «حب اهل بیته و ذریته استکمال الدین» (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۱۹۲)؛ پس بدون مودت اهل بیت علیهم السلام دینداری ناقص است و مسیر درست دینداری با این محبت، کامل می‌شود. با توجه به تأکیدات قرآنی بر لزوم محبت اهل بیت و جایگاه ویژه‌ای که در روایات معصومان علیهم السلام برای این موضوع مطرح شده است، توجه به این واجب دینی در پژوهش‌های مختلف به ویژه پژوهش‌هایی با رویکرد تربیتی ضروری می‌نماید. یکی از گام‌های نخستین، برای نیل به کمال شایسته انسانی، بازشناسی و تبیین کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت علیهم السلام است.

در مورد پیشینه پژوهش، موضوع محبت اهل بیت در کتاب‌های زیادی مشاهده می‌شود و از مقالاتی که در سال‌های اخیر به رشته نگارش درآمده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

احمدی نژاد و حاجی آبادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آثار محبت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن» به برشماری آثار دنیوی و اخروی محبت اهل بیت علیهم‌السلام براساس آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام پرداخته‌اند و نجات در دنیا، فزونی حسنه، اکمال دین، هدایت شدن و آرامش دل را از اثرات دنیوی و آمرزش گناهان، مرگ با عزت و راهیابی به بهشت، بهره‌مندی از شفاعت، دوری از عذاب و حزن قیامت، حشر با اهل بیت، را به‌عنوان اثرات اخروی مطرح کرده‌اند.

شامی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به نام «نقش محبت اهل بیت علیهم‌السلام در کمال انسان و رشد فضائل اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه بحرانی»، با معرفی اهل بیت، یکی از راه‌های رسیدن به کمال واقعی را، عشق ورزیدن به انسان‌های کامل دانسته است. وی معتقد است محبت به اهل بیت، با وجود موانع محبت نسبت به آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. او به بررسی تأثیری که عشق به اهل بیت در خوشبختی انسان خواهد داشت از نظر علامه طباطبایی و علامه بحرانی پرداخته است و آثاری همچون ۱. هدایت، ۲. سعادت ابدی، ۳. ثبات قدم، ۴. اطاعت و تبعیت، ۵. تقرب به خدا را مطرح کرده است.

متقی، نصرتی هشی و نجفی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتب درسی دینی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت علیهم‌السلام»، به بررسی مقوله محبت اهل بیت علیهم‌السلام در کتب دینی دوره متوسطه پرداخته‌اند. در این پژوهش پس از بیان چارچوب نظری براساس اسناد قرآنی و روایی، مؤلفه‌های قابل ارزیابی در قالب اصول و ویژگی‌های این محبت استنتاج و براساس آن، تحلیل محتوایی و تفسیر مضامین انجام شده است.

دیانی و مشکاتی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت دینی در عصر حاضر با رویکرد محبت اهل بیت علیهم‌السلام» با تأکید بر اهمیت تربیت، به‌ویژه در عصر حاضر، تربیت دینی را از ضروری‌ترین وظایف والدین دانسته‌اند و از آنجاکه اهل بیت علیهم‌السلام شاخص و ملاک دین و دینداری هستند و با توجه به ویژگی محبت‌ورزی انسان بر ضرورت تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان الگو تأکید می‌کنند و حاصل این تربیت را آرامش، سلامت جسمی و روحی، و مصونیت در برابر فسادها و سعادت‌مندی خانواده در دنیا و آخرت می‌دانند.

با وجود اهمیت موضوع مودت اهل بیت علیهم‌السلام، حاصل جستجوها، مشاهده پژوهش‌هایی بود که به‌طور عمده به تکرار مطالب، بدون نگرش نوآورانه پرداخته‌اند و مطالعاتی که متناسب با نیاز عصر حاضر، موضوع را از جوانب مختلف تبیین نمایند، همچنان جزء نیازهای علمی جامعه اسلامی

است. مقاله حاضر نیز تلاشی ابتدایی و ناقص است که درصدد است بخشی از کارکردهای تربیتی مودت اهل بیت (ع) را شناسایی نماید. امید که پژوهش‌های آینده موجب تکمیل و ارتقاء این پژوهش را فراهم آورند.

روش مطالعه و تحقیق

شیوه پژوهش و مطالعه در این مقاله از نوع کیفی و به روش تحلیل محتواست. ابزار تحقیق، اسناد نوشتاری و نمونه‌گیری این پژوهش از نوع هدفمند بوده است؛ از این رو منابعی بررسی شده که بیشترین و کامل‌ترین اطلاعات را در رابطه با موضوع ارائه می‌دهند. در گام اول به مذاقه در آیات مورد نظر از قرآن کریم به صورت مطالعه متن قرآنی و ترجمه فارسی و تفسیر با جستجو در نرم‌افزار فیض تمام ۲، شامل تفسیر علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی، و نرم‌افزار اسراء شامل کتب آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شد و سپس کتب روایی و احادیث مرتبط با موضوع محبت و به طور خاص مودت اهل بیت (ع) و احادیث مربوط به حوزه تربیت مطالعه و بررسی شد و برخی از روایات انتخاب شد که توانایی برقراری ارتباط بین این دو موضوع را داشتند و سپس برای تکمیل بحث به جستجو در منابع دست دوم و علوم مرتبط با امر تربیت به‌ویژه روان‌شناسی پرداخته و سرانجام استنباط کارکردهای تربیتی انجام شد.

مفهوم‌شناسی

مودت: مودّه از ریشه «وَدَّ» به معنای آرزو کردن و دوست داشتن است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳). واژه وَدَّ و مشتقات آن ۲۸ بار در قرآن مجید به کار رفته که در بیشتر موارد مفهوم تمنا و دوستی در آن نهفته است. مودت در حقیقت ظهور و بروز محبت در اندیشه، گفتار و رفتار آدمی است. «مودت دوطرفه است، ولی می‌تواند یک‌طرفه باشد. مودت همان محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ در نتیجه، نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع؛ چون خضوع آن خشوعی است که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

اگرچه مودت ریشه در «محبت» دارد و محبت اساس مودت است، اما معنای این دو واژه متفاوت است. می‌توان گفت مودت امتحان محبت است که با اظهار محبت با تمام وجود و در عرصه عمل قابل مشاهده است. مودت شامل محبت‌های مقطعی و موسمی و گذرا نمی‌شود و

گستره تأثیرگذاری و ظهور و بروز آن شامل تمام ابعاد وجودی انسان اعم از اندیشه و افکار، احساسات و عواطف و اعمال و رفتار می‌شود؛ زیرا «مودت از ریشه ودّ، بر وزن مفعله و عبارت است از محبت پایدار، ماندگار و مداوم همراه با به‌کارگیری لوازم ظهور محبت (رضاداد، ۱۳۷۹، ص ۲۹)؛ از این رو قرآن می‌فرماید «بگو که اجر رسالت من، در مودت به اهل بیت (علیهم‌السلام) است» (شوری، ۲۳)؛ یعنی نه تنها نسبت به آنها معرفت و شناخت، و محبت و علاقه قلبی داشته باشید، بلکه این محبت و گرایش را در تمامی شئون وجودی و زندگی فردی و اجتماعی خود، ظاهر نمایید.

اهل‌بیت: در لغت، اهل‌بیت، به معنای ساکنان خانه (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۸۹) و در اصطلاح، مقصود از اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، هر مرد و افراد قبیله، نزدیکان، همسران، فرزندان و همه کسانی هستند که در نسب، دین، مسکن، شهر و وطن با او شریکند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳). ترکیب اهل‌بیت، دو بار در قرآن آمده است: **قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ** (هود، ۷۳) که درباره ابراهیم خلیل (علیهم‌السلام) است. **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** (الأحزاب، ۳۳) کلمه (اهل‌البیت) در عرف قرآن اسم خاص است که هر جا ذکر شود، منظور از آن، این پنج تن هستند؛ یعنی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی و فاطمه و حسن (علیهم‌السلام) و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی‌شود؛ هر چند که از خویشاوندان و نزدیکان آن جناب باشد؛ البته این معنا، معنایی است که قرآن کریم لفظ یادشده را بدان اختصاص داده، وگرنه به حسب عرف عام، کلمه یادشده بر خویشاوندان نیز اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۲).

تربیت: تربیت، مصدر باب تفعیل است که با سه ریشه «ربو»، «ربب» و «ربأ» در ارتباط است. برخی ریشه تربیت را از ربو و به معنای رشد، نمو و فزونی یافتن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۳) و برخی دیگر آن را برگرفته از «ربب» در معنای مالک و صاحب‌اختیار، اصلاح و سرپرستی و رهبری کردن (ازهری، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۲۸) و گروهی نیز از ریشه «ربأ» به معنای رشد و نمو (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳) دانسته‌اند جدای از ریشه‌یابی واژه تربیت، لازم است مطلبی کوتاه در مورد واژگان «تربیت» نیز گفته شود. تربیت از باب تفعیل بوده است و تفعیل در علم صرف دارای معانی تعدیه، تکثیر، سلب، تدریج است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۷۲). منظور از سلب زدودن رذایل و صفاتی است که مانع از تحقق اهداف تربیتی می‌شوند. معنای لغوی مربوط به هر سه ریشه تا حدودی با تعاریف اصطلاحی ارتباط مستقیم دارد.

مفهوم اصطلاحی تربیت: تاکنون تعریف یگانه‌ای برای تربیت ارائه نشده است که همه بزرگان حوزه تعلیم و تربیت بر سر آن به توافق برسند. شاید دلیل اینکه تعریف یگانه‌ای برای تربیت

وجود ندارد از یک سو به جهت گستردگی تربیت و از دیگر سو، در گوناگونی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی کسانی باشد که متناسب با نگرش و اهداف خود تربیت را تعریف می‌کنند. تعاریف متعددی برای تربیت مطرح شده برای مثال، افلاطون (۳۴۶-۴۲۷ ق.م) در تعریف تربیت گفته است: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا کردن آنها (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۷۳) یا «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا رساندن آن به حد مطلوب) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳).

تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴). تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه مرتبی به حد اعلای کمال (خود) برسد (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۳). خداوند از ابتدای نزول قرآن خود را ربّ انسان می‌خواند (علق، ۱) و در ابتدای فاتحه‌الکتاب خداوند بلندمرتبه به‌عنوان «رب العالمین» معرفی می‌شود و این موضوع تربیت اسلامی را از نظر اهداف، محتوا، و ویژگی‌ها از دیگر مکتب‌های تربیتی متمایز می‌کند.

تربیت در مکتب اسلام برای ربانی شدن است. ربانی بودن این تربیت آن را در همان مسیری قرار می‌دهد که دین اسلام آن را ترسیم می‌کند. مهم‌ترین استعداد درونی انسان، امکان رسیدن به خلافت الهی و خداگونه شدن است. هرچند که این استعداد دارای مراتبی است، اما در وجود همه انسان‌ها به ودیعت نهاده شده است. پس شاید بتوان گفت: تربیت فعالیتی از سر علم و آگاهی است که به‌صورت هدفمند و منظم و مستمر و گام به گام برای رسیدن انسان به خداگونه‌گی صورت می‌گیرد و ضمن رفع موانع به ایجاد بسترهای مناسب برای شکوفایی استعدادهای فطری می‌پردازد.

کارکردهای تربیتی مودت اهل بیت علیهم السلام

کارکرد در ادبیات علوم اجتماعی، به معنای اثر و نقش است (فصیحی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰). حبّ در حقیقت تنها وسیله‌ای است برای اینکه میان هر طالبی با مطلوبش رابطه برقرار کند و هر مریدی را به مرادش برساند و حبّ اگر مرید را به مراد و طالب را به مطلوب و محب را به محبوب می‌رساند برای این است که نقص محب را به وسیله محبوب برطرف کند تا آنچه را ندارد دارا شود و کمبودش تمام و کامل گردد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۴۷). بنابراین منظور از کارکرد تربیتی محبت اهل بیت علیهم السلام نقش مثبتی است که این محبت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تغییرات و تحولات پایدارشناختی، عاطفی و عملکردی محب جهت نیل به کمال انسان متعالی قرآنی دارد.

۱. توسعه خودآگاهی

نخستین موضوع مطرح در تربیت فردی، تنظیم ارتباط انسان با خودش است که از ضروریات آن خودآگاهی است. از منظر قرآن، خودآگاهی انسان، امری واضح و مورد تأیید است: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت، ۱۴). از آنجاکه توجه به نفس و بصیرت و آگاهی از خویش می‌تواند منشأ عملکرد صحیح انسان باشد قرآن بر ضرورت توجه و پرداختن به نفس تأکید کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فُيَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده، ۱۰۵). «توجه به نفس منشأ تقویت علم حضوری به نفس و حرکتی تکاملی است که از درون نفس می‌جوشد و منشأ معرفت حضوری خداوند و درک شهودی توحید خواهد شد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). خودآگاهی مفهومی فراتر از خودشناسی است و شامل درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساسات، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طول زمان است (لطیفیان و سیف، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸).

گاه توجه بیش از حد به برخی امور و اشتغال به موضوعات عادی، موجب غفلت از امور مهم‌تر می‌شود. معمولاً توجه انسان به خود جسمی و اجتماعی‌اش معطوف می‌شود و این توجه شدید، موجب غفلت از خود حقیقی را فراهم می‌آورد. در توسعه خودآگاهی انسان، عوامل مختلفی دخالت دارند؛ محبت به دیگران یکی از این عوامل است. «عشق به دیگری، همانند عشق به خود، بخشی از خودشناسی به شمار می‌آید و دو کارکرد عمده در فرایند شدن انسان دارد: نخست از آنجا که نیاز و احساس تشابه از جمله عوامل اصلی ایجاد محبت است انسان با شناخت محبوب منتخب خود می‌تواند درباره خواست‌های درونی و ماهیت خود شناخت وجدانی پیدا کند و به این تربیت از طریق محبت به دیگران به خودشناسی برسد؛ دوم آنکه این نوع شناخت، موجبات درک و شناخت دنیای عواطف و احساسات آنها را برای انسان فراهم می‌آورد (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

از آنجا که اهل بیت (علیهم‌السلام)، کمال انسانیت و عین انسان هستند، عشق و محبت به آنان، انسان را با خود برین و سطوح برتر انسانی خود روبه‌رو می‌کند. «حالاتی که در محبت به اهل بیت در انسان ظهور می‌کند جنبه‌هایی از استعدادها و علایق درونی انسان یعنی کشش به سمت محبوب مطلق و گریز از محبوب‌های محدود و دانی را بروز می‌دهد که غالباً انسان توجهی به آنها ندارد، با مذاقه در این حالات و تقویت آنها محب می‌تواند در مسیر هدایت قرار گیرد» (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). چون عشق و محبت باعث سنخیت و همگونی با محبوب می‌شود محبت اهل بیت باعث می‌شود که محب تکامل ماهوی پیدا کرده و در مراتب انسانی بالاتر رود. در نتیجه

شناخت کامل تری از خود و میزان فقر و جودی و وابستگی اش به خدا پیدا می‌کند؛ زیرا «هرقدر نفس انسان کامل تر و تجردش بیشتر باشد علم حضوری او به خودش کامل تر و روشن تر و عمیق تر خواهد بود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). وقتی انسان کامل، به عنوان معیار سنجش و خودارزیابی انسان قرار گیرد، انسان بهتر با حقیقت موجود خود، روبه‌رو می‌شود و می‌تواند بهتر به بازشناسی نقاط قوت و ضعف خود بپردازد و دچار خودفریبی نمی‌شود؛ زیرا گاه حب نفس و خودخواهی انسان را در ارزیابی از رفتارهای خود به خطا می‌اندازد (کهف، ۱۰۴).

از طرفی محبت اهل بیت چون انسان را به معیت و همگونی با آنان فرامی‌خواند انسان را با نیازها و گرایش‌ها حقیقی خود آشنا کرده، چشم‌انداز جدیدی از نیازها و خواسته‌ها را فرا روی محب قرار می‌دهد و انسان را به بازشناسی منافع و مصالح بالاتر و حقیقی وامی‌دارد و خود این امر موجب انتخاب عملکردهای درست می‌شود. چون محبت اهل بیت، انسان را در مسیر کمال انسانی و نیل به هدف خلقت - که همان مقام عبودیت الهی است - قرار می‌دهد بر هدف‌گذاری‌های انسان نیز تأثیر گذاشته موجب می‌شود انسان هدف تربیت را گم نکند. انسان باید به بازنگری در اهداف غایی و واسطی و جزئی خود بپردازد و از همسویی آرمان‌های خود با هدف خلقت انسان، اطمینان حاصل کرده و در صورت نیاز اهداف جدیدی برای خود تعریف کند.

۲. ژرفابخشی به فهم معارف قرآنی

همچنان که هر تربیتی نیازمند محتوای آموزشی و تربیتی است، وجود مربی و معلم آگاهی که بتواند با شیوه‌های متناسب با هر مخاطب به تعلیم آن محتوا بپردازد نیز از ضرورت‌های یک تربیت موفق است. آیات قرآن به عنوان متقن‌ترین و اصیل‌ترین منبع معارف الهی همان محتوای تربیتی لازم برای نیل انسان به مقام و هدفی است که مقصد خلقت آدمی بوده است. معلمان و مفسران واقعی قرآن نیز برای نجات انسان و هدایت او به سمت کمال مطلق به جامعه انسانی فرستاده شده‌اند. «کتاب تکوینی الهی و قرآن ناطق ربانی نیز از جهان غیب و گنج پنهان الهی با هفتاد هزار حجاب نازل شده است تا این کتاب تدوینی الهی را حمل کند و نفس‌های واژگونه زندانی در طبیعت و جهنم را نجات دهد و غریبان این سرزمین ناآشنا را به وطن‌هایشان راهنمایی کند» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲). پس راه تکامل انسان، شنیدن و فهم کلام کمال مطلق است؛ اما دستیابی به معارف قرآنی نیازمند طهارت و پاکی است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع، ۷۹). «دلی دریابنده پندها و وعظ‌های قرآن است که سالم بوده، از اغراض شکوک و نفاق پاک شده باشد و از پرده خود بیرون آمده باشد» (سهروردی، ۱۳۷۳، ص ۱۰)؛ بنابراین انسان برای اینکه بتواند با

معارف قرآنی ارتباط برقرار کند لازم است مراقب طهارت خود باشد؛ اما همچنان که قرآن دارای بطن‌های متعدد و مراتب معرفتی است، طهارت نیز دارای مراتب است و برای دستیابی به حقیقت مراتب بالای معارف قرآنی باید به مراتب بالای طهارت دست یافت؛ زیرا «هرکه پاکی و تقدسش بیشتر باشد، قرآن بر او بیشتر تجلی می‌کند و بهره‌اش از حقایق آن بیشتر خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

حقایق در باطن قرآن هست که این خاندان (اهل بیت) به‌عنوان مصداق کامل «مطهرون» آن حقایق را می‌شناسند؛ بنابراین برای کشف آن حقایق باید با انگیزه طلب علمی و تعالی قلبی با آن خانواده مرتبط شد (طاهرزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۵)؛ اما افزون بر طهارت، محبت نیز برای درک معارف قرآنی ضرورت دارد. «قرآن همان‌طور که از مسیر طهارت عبور می‌کند از مجرای محبت نیز می‌گذرد. مهم‌ترین طریق فهم قرآن، راه محبت خداست» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۵۵) و خداوند خود فرموده برای جلب محبت من تابع حبیب من باشید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۳۱)؛ چون آن حضرت براساس محبت به ادب خدایی تأدیب شده‌اند.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: ان الله عزوجل ادب نبیه علی محبته (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۶۵)؛ پس برای دریافت پیام‌های قرآن، طهارت و محبت لازم است؛ اما همچنان که گفته شد محبت و طهارت مرتبتی هستند و مراتب فهم کلام الهی و برقراری ارتباط با آن به میزان محبت حق است؛ بنابراین کسانی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند برای نیل به مراتب بالاتر، باید در مراتب بالا فانی شوند و گام اول در فنا، محبت و مودت است؛ ازاین‌رو قرآن مؤمنان دارای عمل صالح را به الزام و التزام به مودت اهل بیت علیهم السلام بشارت می‌دهد: «ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری، ۲۳). از طرفی چون محبت اهل بیت علیهم السلام همسو و همراستا با محبت خداست، خود این محبت به فهم برین معارف و آموزه‌های قرآنی کمک می‌کند.

۳. تزکیه و تطهیر

قرآن در «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) تزکیه را مقدم بر تعلیم معارف قرآنی دانسته و در «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه، ۷۹) درک معارف قرآنی را تنها برای مطهرون مقدور و ممکن دانسته است. تزکیه گونه‌ای از تربیت است؛ تربیتی که معادل پالایش ابعاد وجودی انسان از آلودگی‌ها و رفع موانع است و

حاصل آن رشد یافتن است. شاید به نظر برسد تزکیه تنها ناظر به تربیت اخلاقی است؛ اما تطهیر و تزکیه از ضروریات تربیت است و اساساً گام اول برای موفقیت هر تربیتی، رفع موانع است. امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «لایحینا عبد ویتولانا حتی یطهرالله قلبه؛ بنده خدا به ما محبت نمی‌ورزد، مگر آنکه خداوند قلب او را از آلودگی‌ها پاک می‌گرداند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۳۰۸). پس از جمله کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت، تطهیر و پاکسازی درون انسان از آلودگی‌ها است. قرآن هم به تطهیر جسمانی نظر دارد و هم به تطهیر اخلاقی و باطنی و برای تطهیر جسمانی نیز دستورات و قوانین ویژه‌ای قائل است که نشان‌دهنده اهمیت طهارت جسمی است؛ اما تطهیر اخلاقی به دو صورت می‌تواند انجام شود. تطهیر فعالانه و تطهیر تصرفی. تطهیر فعالانه ابتدایی، طهارت از معاصی و افعال ناپسند است که نتیجه فعالیت و تلاش و کوشش خود محب و متریبی است. هر چند گاه، افراد، بدون مودت اهل بیت نیز اقدام به پاکسازی از رذایل و مفاسد اخلاقی می‌نمایند؛ اما محبت و مودت اهل بیت، در این میان نیز می‌تواند هم به لحاظ انگیزشی و هم به جهت هدایت و روشنگری، نقش بسزایی داشته باشد؛ از این رو اگر انسان بتواند حصار انانیت را بشکند و قدم از خود بیرون بگذارد و به محبت پاکان و به‌طور خاص اهل بیت علیهم السلام دل بسپارد از آن جهت که محب به دنبال تشابه و همگونی با محبوب است محب تلاش می‌کند تا اعمال و افعال خود را از معاصی و مفاسد پاکیزه کند؛ اما از آنجاکه بسیاری از رذایل ظاهری ریشه در رذایل درونی و لایه‌های درونی تر انسان دارد، برای تطهیر درون، نفوذ به لایه‌های درونی تر لازم است.

برای مثال، گناهان و رذایلی مانند غیبت، تهمت، تمسخر و تفاخر، ریشه در رذایل درونی تر همچون کینه و حسد دارند و اگر باز به لایه‌های درونی تر نفس نگاه شود خود کینه و حسادت، ریشه در خودخواهی و خودمحوری در نوع نگرش و تعامل انسان در ارتباط با ابعاد هستی دارد؛ از این رو «تطهیر ظاهر متوقف بر تطهیر باطن است. از آنجاکه مبدأ فساد مملکت ظاهر نفس، اخلاق فاسده و ملکات خبیثه آن است مادامی که این ملکات سیئه مبدل به ملکات حسنه نگردیده‌اند زشتی و ناپسندی اعمال ظاهری نیز از میان نخواهد رفت» (امام خمینی، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

پاکیزگی از رذایل ظاهری، انسان را در ارتقاء به مراحل بالاتر محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام یاری رسانده و موجب تداوم و تکامل آن می‌شود؛ در این حالت خودی برای محب باقی نمی‌ماند و «خود» محوریتش را در بینش و کشش و کنش محب از دست می‌دهد و در مقابل، محبوب محوریت پیدا می‌کند؛ یعنی محب به مقام تسلیم و تمکین اوامر محبوب می‌رسد. وقتی انسان به

مرتبه تسلیم و تمکین رسید زمینه برای رسیدن به «ولاء تصرف که بالاترین مراحل ولایت است» (مطهری، بی تا، ص ۵۱) آماده می شود. از آنجاکه «افرادی که مراتب قرب را واقعاً طی کرده و به عالی ترین درجات آن نائل شده اند؛ یعنی واقعاً به کانون هستی نزدیک شده اند و احاطه بر عالم انسانی دارند و ارواح و ضمائر دیگران را تحت تسلط می گیرند و شهید بر اعمال دیگرانند (مطهری، بی تا، ص ۸۴) و در این صورت تطهیر تصرفی یعنی پاکیزه سازی از طرف محبوب انجام می شود که اولیای الهی هستند و آنان با تطهیر لایه های درونی تر مرتبی، به تکوین شاکله و شخصیت فرد می پردازند.

تطهیر تصرفی که از طریق محبت اهل بیت علیهم السلام حاصل می شود و نفس را از شروری که در لایه های درونی تر محب لانه ساخته، پاک می کند مرحله ای است که توأم با درد و رنج بسیار است؛ زیرا انسان در این شرایط از چیزهایی جدا می شود که عمری چنان دلبسته و وابسته آنها شده بود که بخشی از وجودش شده بودند. این تطهیر به طور عمده از طریق ابتلائات بزرگی صورت می گیرد تا خلوص آدمی حاصل شود. از این رو حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «مَنْ تَوَلَّانا فَلْيَلْبَسْ لِلْمِحْنِ اِهَاباً: هر کس ما را دوست بدارد، باید برای غم ها و محنت ها پوستی دیگر بر تن نماید» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹). همچنین می فرمایند: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَلْيَسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جَلْبَاباً: هر کس اهل بیت را دوست بدارد، باید فقر و محرومیت را پذیرفته و خود را برای آن آماده کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۹). یکی از راه های تأثیرگذاری محبت اهل بیت علیهم السلام تحول آفرینی در حوزه عشق و محبت است.

۴. تألیف حبی

از آنجاکه انسان افزون بر بعد فردی، دارای بعد اجتماعی نیز است و بخش بزرگی از شخصیت و شاکله او در سایه تعاملات اجتماعی تکوین می یابد؛ کمال و سعادت انسان نیز تا حدود زیادی در ارتباطی عمیق با زندگی اجتماعی انسان است. «فلاح و رستگاری، تنها در نجات و رهایی خود خلاصه نمی شود؛ بلکه نجات و رشد دیگران نیز از شرایط فلاح است» (قرائتی، ۱۳۷۸، ص ۵۷۸). در مکتب انسان ساز اسلام رهبانیت و انزواطلبی ناپسند شمرده شده است و «برای هیچ انسانی وصول بدان کمالی که فطرت طبیعی او برای او نهاده است، ممکن نیست، مگر به واسطه اجتماع جمعیت زیادی که با یکدیگر همکاری و تعاون می نمایند» (فارابی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲).

نظام اجتماعی وقتی می تواند کمال آفرین باشد که ساختارهایش با هنجارهای هستی هماهنگی داشته باشد؛ بنابراین به جهت اینکه پیدایش و تداوم حیات براساس حب و محبت است شایسته و

بایسته است که بنیاد و زیرساخت جامعه و گروه‌های انسانی نیز محبت باشد. قرآن یکی از وظایف انبیاء را تفرقه‌زدایی و ایجاد وحدت می‌داند (بقره، ۲۱۳). آنچه جامعه اسلامی را یکی می‌کند و منشأ وحدت است، حب و بغض است؛ حب نسبت به یکدیگر و بغض نسبت به دشمنان، جامعه را یکی می‌کند.

فارابی فیلسوف بزرگ مسلمان که جامعه انسانی را مانند بدن انسان می‌داند، ارتباط میان اجزاء و مراتب مدینه و انسجام اعضای ارگانیکی آن را بر پایه محبت میان اعضای تشکیل‌دهنده آن دانسته است. وی حتی عدالت را تابع محبت می‌داند (فارابی، بی تا، ص ۸۳)؛ پس بدون محبت نمی‌توان جامعه‌ای ساخت که بستر ساز کمال و سعادت آدمی باشد: «کمال افراد انسانی منوط به اجتماع و تألف است و آن بی محبت و الفت صورت نیندد (دوانی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵)؛ اما برای اینکه بین انسان‌ها ارتباط محبت‌آمیز و تألیف حبی صورت گیرد، لازم است مشابهت و مشترکاتی بین آنان وجود داشته باشد. نبی مکرم اسلام می‌فرماید: «جان‌ها سپاهیان گوناگونی هستند. آنها که همدیگر را بشناسند، با یکدیگر الفت می‌گیرند و آنها که همدیگر را نشناسند، از یکدیگر جدا می‌شوند» (انصاری (ابن دباغ)، بی تا، ترجمه انصاری، ص ۶۸). چون در محبت ارتباط قلب‌ها مطرح است از این رو شباهت‌های قلبی و داشتن محبوب مشترک بسیار تأثیرگذار است.

امام خمینی رحمته الله علیه مراسم عزاداری برای امام حسین علیه السلام را به‌عنوان جلوه‌ای از مودت اهل بیت عامل اتحاد قلوب محبین می‌داند و می‌فرماید: «ما تا ابد هم اگر برای سیدالشهدا گریه نکنیم، برای ما نفع دارد، همین نفع دنیایی‌اش را شما حساب کنید، آخرتش سر جای خودش. همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۱۰۰). الفت و تجمع در اطراف رهبر واحد یا تمرکز بر هدف خاص و واحد موجب ایجاد محبت بین افراد گروه می‌شود.

در این نوع مناسبات اجتماعی، التزام اخلاقی درونی محبان نسبت به انسان کامل، اصل است و برای پذیرش دستورات مولا، نه خوف و نه نیاز، بلکه محبت نقش اساسی ایفا می‌کند و رابطه بین افراد جامعه نیز رابطه حبی است و این محبت بین محبین به‌عنوان نشانگر صدق مودت اهل بیت علیهم السلام مطرح شده است: «هر کس که می‌خواهد بداند که آیا عاشق حقیقی اهل بیت علیهم السلام هست یا نیست، باید به درون و قلب خود رجوع نماید، اگر در دلش محبت دوستان ما وجود دارد، او دشمن ما شمرده نمی‌شود و دوست ما است. ولی اگر با دوست ما دشمنی بورزد، او دوستدار واقعی ما نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۵۳).

۵. ایمنی بخشی روانی، اخلاقی و معنوی

در روایات منقول از معصومان علیهم السلام ولایت معصومان علیهم السلام که استمرار ولایت الهی است، مایه ایمنی از خطرات گوناگون دنیوی و اخروی معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۶۶ و ج ۳۹، ص ۲۴۶ و نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۴۲). انسان ضمن اینکه دارای توانمندی‌های زیادی است؛ اما به تصریح قرآن نقاط ضعف و محدودیت‌هایی نیز دارد (نساء، ۲۸؛ علق، ۶؛ اسراء، ۱۱). از سوی دیگر، انسان در طول زندگی از ابعاد مختلفی در معرض آسیب‌ها و خطرات مختلفی قرار دارد. این آسیب‌ها حوزه‌های مختلف مادی و معنوی و روانی زندگی انسان را شامل می‌شود. مودت و ارتباط محبانه با اهل بیت علیهم السلام و تبری از دشمنان آنان، زمینه تمسک و توسل و عمل به اوامر اهل بیت را فراهم می‌کند. از طرفی مودت و ولایت آنان زمینه‌ساز دستیابی به معارف دین و قرآن می‌شود: «بمواالاتکم علمنا الله معالم دیننا؛ به واسطه ولایت شما، خدا علوم دینمان را به ما آموخت» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۶) و کسب معرفت صحیح، خود، زمینه هدایت انسان را فراهم کرده و موجب نجات انسان از خطر ضلالت و گمراهی می‌شود. بسیاری از خطرات و مشکلات در اثر شتاب‌زدگی و رفتارهای هیجانی برای انسان پیش می‌آید. والتر میشل معتقد است موضوع خویشتن‌داری به‌طور چشمگیری متأثر از عوامل شناختی است (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۴). شناخت صحیح موجب پرهیز از رفتارهای هیجانی و ایمنی از خطرات می‌شود. جنبه دیگری که مودت اهل بیت می‌تواند محبان را از خطرات، به‌ویژه در بعد معنوی و اخلاقی محافظت نماید جنبه الگویی آنان است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که الگو، نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری رفتارها از جمله خودمهارگری و کنترل‌تکانه ایفا می‌کند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰-۱۱). خداوند در آیه ۲۱ احزاب، نبی مکرم اسلام را الگوی نیکو معرفی می‌کند و پیامبر مکرم اسلام می‌فرماید: علی برای شما الگوست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۳). مودت و محبت مهم‌ترین عامل پیروی و سرمشق‌گیری است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لَتَيَجْلِبِبَ الْوَرَعُ: هر که ما را دوست دارد، باید همچون ما عمل نماید و جامه پارسایی بر تن نماید (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۲). از این رو محبان اهل بیت با پیروی از محبوبان خود می‌توانند اقدام به خودمدیریتی و پرهیز از رفتارهای هیجانی نموده و از وقوع آسیب‌های بسیاری در امان باشند.

جنبه دیگر، موضوع نظارت اهل بیت علیهم السلام بر اعمال شیعیان است که در روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. این احساس مورد نظارت بودن در ارتقاء خودگردانی محبان بسیار مؤثر است؛ زیرا در محبت واقعی، جلب رضایت محبوب، مهم‌ترین انگیزه عمل است و محب دوست دارد مطابق میل محبوب عمل نماید؛ از این رو عملکردهای خود را مدیریت می‌کند.

محبت اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک عامل درونی امکان خودگردانی را برای فرد در صیانت از گوهر وجودی و عدم آلودگی به پلیدی‌ها فراهم می‌آورد. میان ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام با انجام طاعت و پرهیز از معاصی رابطه مستقیم برقرار است. به هر میزان که محبت انسان به اهل بیت علیهم السلام بیشتر باشد به همان میزان گرد گناه و معصیت نمی‌گردد؛ چون محب اهل بیت علیهم السلام سعی می‌کند رضایت آنان را جلب کند و ارتکاب به گناه موجب آزردن آنان می‌شود و فرد محب خود را در مسیر طاعت و عبادت خداوند قرار می‌دهد که رضایت محبوب (اهل بیت علیهم السلام) را جلب نماید. این مصونیت‌بخشی ضمن تربیت اخلاقی افراد، آنان را برای مراتب بالاتر تربیت معنوی و دینی آماده می‌نماید.

حمایت‌گری فرامادی و هدایت تکوینی اهل بیت نیز در کاستن از اضطراب‌های روانی و ایجاد امنیت روانی بسیار تأثیرگذار است. امام زمان علیه السلام می‌فرمایند: همانا ما بر احوال شما آگاهیم... از رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم. در غیر این صورت، سختی‌ها و بلاها بر شما فرود می‌آمدند و دشمنان، شمار را ریشه‌کن کرده و از بین می‌بردند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۹، ص ۱۷۵).

یکی دیگر از مشکلات روانی افراد در جوامع امروزی که متأسفانه از سوی برخی از مکاتب نیز تشدید می‌شود، احساس پوچی است. بسیاری از افراد به دلیل خلأهای درونی احساس می‌کنند زندگی بی‌معناست. یکی از راه‌هایی که برای برطرف کردن این احساس پیشنهاد می‌شود برقراری ارتباط عاطفی با دیگران است. فرانکل عشق ورزیدن به دیگری را یکی از راه‌های تحقق معنای زندگی می‌داند (فرانکل، ۱۳۷۱، ص ۱۸۳). مودت اهل بیت از عوامل معنابخش زندگی است؛ چون برقراری رابطه محبت‌آمیز زندگی را هدفمند کرده و احساس پوچی و بی‌معنایی را کاهش می‌دهد. دنیای امروز به خاطر تهاجمات فرهنگی مختلف و شرایط خاص عصر حاضر پر از تنش‌های روانی است؛ اما برقراری ارتباط با آن بزرگواران و «استقامت بر ولایت ایشان، اندوه و ترس را برطرف می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۰). محبت و ولایت آنان پاکی و سلامت روح و روان را در پی دارد و موجب شادکامی در زندگی می‌شود (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

محبت صفت جدایی‌ناپذیر هستی است که در وجود تمام موجودات جاری و ساری است؛ اما در زندگی انسان حضوری ویژه دارد و برای رسیدن به کمال، مرکبی راهوارتر از محبت نمی‌توان یافت؛ اما همین ودیعه ارزشمند الهی اگر تحت مراقبت و تربیت قرار نگیرد، ممکن است انسان را تا

مرحله پایین‌تر از جماد نیز تنزل دهد. به دلیل گستره میدان عمل محبت که از بی‌نهایت منفی تا بی‌نهایت مثبت را شامل می‌شود، قرآن کریم در آیات متعددی موضوع محبت را مورد توجه قرار داده و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ما را از برخی محبت‌ها برحذر داشته و به برخی محبت‌ها ترغیب فرموده است.

از جمله موارد تأکید بر محبت‌ورزی در قرآن، و جوب مودت اهل‌بیت یا نزدیکان نبی مکرم اسلام است که به‌صورت بشارت برای مؤمنان دارای عمل صالح مطرح شده است. از نوع بیان آیه می‌توان دریافت که این خود یک موهبت الهی و یک نعمت بسیار بزرگ است که در مقابل ایمان و عمل صالح بشارت داده می‌شود و منافع ویژه‌ای در انتظار محبین اهل‌بیت است. مسلماً این واجب قرآنی تأثیرگذاری‌های ویژه‌ای در تعالی و تکامل انسان دارد.

روشن است که اگر جان مؤمنان آمادگی نداشته باشد، تدابیر اهل‌بیت علیهم‌السلام در قلمرو وجودی آنان محقق نمی‌شود و مودت در حقیقت مهیا کردن جان آدمی، برای پذیرش تصرفات آن بزرگان برای قرار گرفتن در صراط مستقیم محبت و عبودیت خداست. مودت اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق تأثیرگذاری بر ساحت‌های شناختی، عاطفی و عملکردی و اخلاقی در عرصه‌های فردی و اجتماعی محب را در حرکت به سمت کمال مطلق یاری می‌کند. معرفت نفس یا خودآگاهی مناسب‌ترین تمهید برای حرکت تکاملی است. مودت اهل‌بیت نیازمند معرفت اهل‌بیت است و چون آن بزرگواران حقیقت کامل انسانی هستند معرفت آنان موجب می‌شود انسان به‌صورت جدی‌تر خود موجودش را با خود متعایش مقایسه کرده بتواند نقاط ضعف و قوت و امیال و گرایش‌ها و اهداف خود را شناسایی و تصحیح و تکمیل نماید.

از سوی دیگر، ارتباط بیشتر و بهتری با قرآن به جهت مودت اهل‌بیت برای انسان فراهم می‌شود؛ اولاً به این جهت که آن بزرگواران خود، قرآن تکوینی و ناطق هستند و یکی از راه‌های فهمیدن کلام الهی محبت حق است و از سوی دیگر ارتباط با آن بزرگواران زمینه طهارت درونی انسان و در نتیجه فهم برین معارف قرآنی را برای محبین راستین اهل‌بیت علیهم‌السلام فراهم می‌کند. مراتبی از این تطهیر به دست خود محب در مرحله تلوین (هم‌رنگی با محبوب) و تمکین صورت می‌گیرد و بخش مهم‌تر، توسط آن بزرگواران به اذن الهی در مرحله تکوین انجام می‌شود و هر محبی متناسب با ظرفیت وجودی خود و میزان تلاشش، مطهر می‌شود.

غیر از تلاش فردی، جامعه‌بستر ساز کمال نیز می‌تواند در سیر تکاملی انسان نقش اساسی داشته باشد؛ اما جامعه‌ای این ویژگی را دارد که خود هماهنگ با هنجارهای هستی برساخته شود؛ یعنی بر بنیان محبت و مودت استوار باشد. مودت اهل‌بیت چون با قلب‌های افراد پیوند دارد به

دلیل ایجاد سنخیت باطنی بین محبین، موجب برقراری رابطه حبی بین آنان می‌شود و ارتباط انسان‌ها به‌جای رقابت، به احسان و ایثار نسبت به هم تبدیل می‌شود. کارکرد تربیتی دیگر مترتب بر مودت اهل بیت (ع) مصون‌سازی است. مودت اهل بیت به اشکال مختلف و از جنبه‌های متعددی می‌تواند موجب مصونیت محبین واقعی، از بسیاری از خطرات به‌ویژه خطرات روانی و اخلاقی و معنوی شود.

مودت اهل بیت با معرفت‌افزایی و معنابخشی به زندگی محب و برقراری ارتباط عاطفی دو طرفه محب را تحت حمایت قرار داده و با نقش الگویی و نظارت بر احوال محب او را در دوری از رذایل و آراستگی به فضایل اخلاقی یاری رسانده و موجبات ایمنی از بسیاری از خطرات را برای محبین فراهم می‌کند. با توجه به اهمیت و کارکردهای ارزشمند مودت اهل بیت در تربیت و تعالی انسان پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- از آنجاکه برای رسیدن به حیات طیبه لازم است متریبان براساس معارف و دستورات قرآنی تربیت شوند و مودت اهل بیت (ع) دستور صریح قرآن است، لازم است برنامه‌های تربیتی از مرز استدلال‌های عقلانی فراتر رفته در جهت نظر به اسماء الهی تدوین شود؛

- در شرایط کنونی جامعه، حتی در مراکز تعلیم و تربیت، محبت اهل بیت (ع) به‌صورت امری فرعی و احساساتی قلمداد می‌شود؛ اما با توجه به نقش بسیار مهم و کارایی محبت اهل بیت (ع) در صیانت از حقیقت آدمی و استکمال نفس انسان، شایسته و بایسته است که نظام تعلیم و تربیت کشور به‌ویژه در بعد رسمی این موضوع را به‌صورت جدی‌تر مورد توجه قرار دهند؛

- با توجه به تأثیرگذاری محتوای کتب درسی بر ساحت‌های مختلف وجود متریبان به‌ویژه بر ساحت شناختی و عاطفی ضروری است در تدوین کتب درسی موضوع محبت اهل بیت با بیانی متناسب با نیازها و نحوه ادراک مخاطب طرح و تبیین شود. شیوه‌هایی برای طرح و تبیین به کار گرفته شود که در مرتبه طلب و عطش نسبت به موضوع ایجاد شود؛

- انتظار می‌رود نهادهای فرهنگی برای نهادینه کردن مؤلفه‌های شناختی عاطفی و رفتاری مودت و ولایت اهل بیت (ع) نهایت تلاش خود را به‌کار گیرند تا به سلامت روانی، اخلاقی و معنوی افراد جامعه کمک نمایند.

منابع

- * قرآن، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. احمدی نژاد، فاطمه و سکینه حاجی ده آبادی (پاییز ۱۳۹۳)، «آثار محبت اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن»، مجله قرآنی کوثر، ش ۵۱، ص ۱-۱۱.
 ۳. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد (بی تا)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیا التراث العربی.
 ۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۰)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۳)، آداب الصلوه (آداب نماز)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، امامت و انسان کامل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۷. انصاری (ابن دباغ)، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)، عشق اصطربلاب اسرار خداست، ترجمه قاسم انصاری، تهران: طهوری.
 ۸. انصاریان، حسین (۱۳۸۴)، اهل بیت عرشیان فرش نشین، قم: دارالعرفان.
 ۹. بی ریا، ناصر و همکاران (۱۳۸۳)، روان شناسی رشد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۱. جان بزرگی، مسعود و همکاران (۱۳۹۰)، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان، تهران: ارجمند.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، سرچشمه اندیشه، ج ۱، قم: اسراء.
 ۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
 ۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: ذکر.
 ۱۵. دوانی، محمد بن اسعد (۱۳۹۱)، اخلاق جلالی، ترجمه و تصحیح عبدالله مسعودی آرائی، تهران: اطلاعات.
 ۱۶. دیانی، فروز و حسن مشکاتی (۱۳۹۶)، «تربیت دینی در عصر حاضر با رویکرد محبت اهل بیت (علیهم السلام)»، فصلنامه معارف قرآن و عترت، ش ۶، ص ۶۵-۸۷.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران: بی جا.
۱۸. رضاداد، عبدالله (۱۳۷۹)، «تدبری دیگر در آیه مودت، تقریر بحث آیت الله شیخ محمدرضا جعفری»، گلستان قرآن، ش ۴۶، ص ۲۷-۲۹.
۱۹. سهروردی، شهاب الدین ابوالفتح (۱۳۷۳)، مجموعه مصنفات سهروردی، ج ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. شامی، کریم (۱۳۹۴)، «نقش محبت اهل بیت علیهم السلام در کمال انسان و رشد فضائل اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه بحرانی»، فرهنگ پژوهش، ش ۲۰-۲۱، ص ۱۵۱-۱۸۲.
۲۱. شمشیری، بابک (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران: طهوری.
۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون الاخبار، ترجمه غفاری، تهران: جهان.
۲۳. طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۰)، مبانی نظری و عملی محبت اهل بیت علیهم السلام، اصفهان: لب المیزان.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: جامعه مدرسین.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۶)، تفسیر المیزان، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۷. طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۷۹)، صرف ساده، قم: دارالعلم.
۲۸. فارابی، ابونصر محمد (بی تا)، رساله فی اعضاء الحیوان، تحقیق دکتر عبدالرحمن بدوی، بیروت: دار اندلس.
۲۹. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۴)، آرا اهل المدینه الفاضله، بیروت: دار مکتبه الهلال.
۳۰. فرانکل، ویکتور (۱۳۷۱)، فریاد ناشنیده برای معنا، ترجمه علی علوی نیا و مصطفی تبریزی، تهران: یادآوران.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۳۲. فصیحی، امان الله (۱۳۹۸)، «بررسی کارآمدی نظریه کارکردگرایی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، دوره اول، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۱.
۳۳. قرائتی، محسن (۱۳۷۸)، تفسیر نور، قم: در راه حق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامی.
۳۵. گروه نویسندگان (۱۳۸۴)، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۳۶. لطیفیان، مرتضی و دیبا سیف (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۵۲، ص ۱۳۵-۱۶۳.
۳۷. متقی، زهره؛ کمال نصرتی هشی و محمد نجفی (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای کتب درسی دینی دوره متوسطه با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت علیهم السلام، مشرق موعود، ش ۳۶، ص ۱۰۳-۱۲۴.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: الوفاء.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، انسان‌سازی در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۰. مطهری، مرتضی (بی تا)، ولاءها و ولایت‌ها، [بی جا]: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
۴۲. نگری، میرزا حسین (۱۴۰۰)، نقش محبت اهل بیت علیهم السلام در تربیت انسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه.
۴۳. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.